

ایینه پژوهش

سال سی و چهارم، شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۲ ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و
اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۰۲

۲۰۲
دوماهنامه
ایینه پژوهش

۴
سال سی و چهارم، شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۲

Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.34, No.4 Oct- Nov 2023

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

202

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture

نسخه خوانی ۳۵ | رباعیات فارسی در پنج دستنویس کهن | چاپ نوشت (۹)
| طومار (۱) | هرمنوتیک فلسفی در گذر تاریخ با تمرکز بر هرمنوتیک بایبلی
| درباره زبان مانی | پژوهشی در مثل‌های مشترک فارسی و عربی رایج در
عراق | نوشتگان (۳) | ماهیت کتاب اربعین اسعد بن ابراهیم اربلی |
معرفی و نقد کتاب «صدر اسلام و زایش سرمایه داری» | عهد کتاب (۱) | به
مناسبت انتشار | جلد پایانی ترجمه فارسی دائرةالمعارف قرآن | گزارشی از
محتوای کتاب تفسیر عسکری اطروش | در امتداد اسطوره و سراب |
افزوده‌هایی چند بر واژه‌های دخیل در قرآن نوشته آرتور جفری |
نقد و بررسی تصحیح منهج اول عباقت | نکته، حاشیه، یادداشت

مروری بر جنگ حاجی محمد بیکا
از دوره صفوی

پیوست آینه پژوهش |

مسئول: جعفریان سید علی
میراث‌شناسی: مجید جلیسه علی‌راد
تسبیح حسنی: اماری ایدرزاسکی
فراژتس روزنژال: سید احمد زویا
فایده‌مقامی: سید علی بیار احمد زویا
میلاد: بیگانه علی عباس‌زاده
مجننی: اشغری حسین
آبادی: کلام استادی امیر راد دیوید
رسمیول: مراد جویا جلیله‌خانی محمد
رستم: رحیم‌پور نازا مسعودی‌تاجی



پرتال
دوماهنامه
آینه پژوهش

Jap.isca.ac.ir

رباعیات فارسی در پنج دستنویس کهن

سید علی میرافضلی

| ۲۵-۴۸ |

Persian Quatrains in Five Ancient Manuscripts
Seyed Ali Mirafzali

Abstract: One of the valuable sources of ancient Persian poetry is the notes written by the owners of handwritten manuscripts on the first and last blank pages, the intervals between chapters, and the margins of manuscript pages. The older the manuscripts and the more ancient the recording of these notes, the more valuable they become. In this article, 57 quatrains from five ancient manuscripts are extracted and presented with necessary explanations. These quatrains are attributed to poets such as Khayyām, Mahastī Ganjavī, Owḥaddīn Kirmānī, Kamāl Esmāil Isfahāni, and others. Some quatrains are without a specified author. Two quatrains in these sources are translations of Arabic verses, or vice versa, and are of considerable importance and reference from the perspective of comparative literature.

Keywords: Quatrain, Khayyām, Mahastī Ganjavī, Owḥaddīn Kirmānī, Ancient Manuscripts, Poetical Translation

چکیده: یکی از منابع ارزشمند اشعار کهن پارسی، یادداشت‌هایی است که دارندگان نسخه‌های خطی در اوراق سفید اول و آخر دستنویس‌ها، فواصل رسالات، و هامش اوراق کتابت کرده‌اند. هرچه تاریخ نسخه‌ها و به طریق اولی تاریخ کتابت یادداشت‌ها قدیمی‌تر باشد، بر ارزشمندی آن‌ها افزوده می‌شود. در مقاله پیش رو، ۵۷ رباعی از پنج دستنویس کهن استخراج و با توضیحات لازم عرضه شده است. این رباعیات به نام خیام، مهستی گنجوی، اوحدالدین کرمانی، کمال اسماعیل اصفهانی و دیگران ثبت شده و برخی از رباعیات نیز فاقد نام گوینده است. دو رباعی در این منابع، ترجمه اشعار عربی و یا بالعکس است و از منظر ادبیات تطبیقی درخور اهمیت و استناد است.

کلیدواژه‌ها: رباعی، خیام، مهستی گنجوی، اوحدالدین کرمانی، دستنویس‌های کهن، ترجمه منظوم

اشعار و عباراتی که کاتبان یا مالکان نُسخ قدیمی در ظُهر دستنویس‌ها و اوراق سفید کتاب‌ها به یادگار گذاشته‌اند، منبع ارزشمندی برای بازیابی اشعار کهن پارسی است؛ بالاخص در مورد شاعران بدون دیوان که یکی از منابع اصلی اشعار آن‌ها، همین قبیل متون است. رباعی به جهت کوتاه بودن قالبش، یکی از گزینه‌های اصلی کاتبان و دارندگان نسخ خطی برای ثبت و ضبط در اوراق و آخر و هوامش نسخه‌ها بوده است. از این جهت، جست‌وجو و بررسی و ارزیابی چنین نسخه‌هایی برای شناخت تاریخ رباعی فارسی، امری ضروری و بایسته است. گردآوری رباعیات حکیم عمر خیام، مهستی گنجوی، خواجه نصیرالدین طوسی و تعداد دیگری از شاعران رباعی سرای فارسی، مرهون چنین منابعی است. تاریخ این دستنویس‌ها و تاریخ یادداشت‌های مندرج در آن‌ها، گاهی بسیار تعیین‌کننده در شناخت سراینده اصلی برخی از رباعیات سرگردان است. حتی تکمیل اشعار شعرای صاحب دیوان نیز، بدون مراجعه به این قبیل منابع ممکن نیست. اشعار موجود در ظُهر دستنویس‌ها و هوامش نسخ خطی، از جنبه مطالعه سلاقی و گرایش‌های ادبی گردآورندگان این نُسخ نیز در خور اهمیت است. اگر مطالعه جامعی در مورد این منابع صورت گیرد، می‌توان فهمید که در هر دوره، طالبان علم و ادب و علاقه‌مندان شعر، به چه نوع اشعار، چه موضوعات شعری و چه شاعرانی رغبت بیشتری داشته و چه منابعی را بیشتر مطالعه می‌کرده‌اند.

در سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران بیش از پیش به ارج و اهمیت چنین منابعی جلب شده است و حتی شاهد رقابتی پنهانی میان محققان در دستیابی به نسخ خطی کهن و کمیاب از کتابخانه‌های هند و پاکستان و ترکیه و آسیای میانه و اروپا و آمریکا هستیم. خوشبختانه با میسر شدن دسترسی بیشتر و راحت‌تر به نسخ خطی فارسی و عربی در کتابخانه‌های خارج از ایران، مطالعه در اشعار فارسی موجود در هوامش نسخ خطی نیز رشد بیشتری پیدا کرده و این تلاش، دستیابی به اشعار نویافته زیادی را باعث شده و در نتیجه، چشم‌انداز وسیع‌تری از میراث شعر کهن فارسی را در پیش چشم ما قرار داده است.

آنچه در این مقاله عرضه می‌شود، متن ۵۷ رباعی است که از پنج دستنویس کهن متعلق به کتابخانه‌های ترکیه فراهم آمده است. نام سراینده ۲۹ رباعی از رباعیات مذکور (نیمی از آن‌ها) ذکر شده و مابقی فاقد نام گوینده است. شاعرانی که نامشان ذکر شده، عبارتند از: اوحالدین کرمانی (هفت رباعی)، مهستی گنجوی (پنج رباعی)، خیام (سه رباعی)، سراج‌الدین قمری (دو رباعی)، خواجه نصیر طوسی، جلال‌الدین طوسی، نجم‌الدین کبری، کمال اسماعیل اصفهانی، شمس‌الدین اصفهانی، عزالدین کاشانی، رکن‌الدین ابهری، شمس‌الدین کرت، شرف‌الدین شفره، قاضی نظام‌الدین اصفهانی، قطب‌الدین عتیقی و مجدالدین همگر (هر کدام یک رباعی).

با توجه به اینکه شناسایی منابع کهن خطی در تعیین و تدوین رباعیات خیام و مهستی گنجوی نقش مهمی دارد، آنچه در اینجا عرضه شده، منابع نویافته‌ای در شناخت رباعیات ایشان است.

البته این به معنی آن نیست که آنچه در دستنویس‌های مذکور به نام خیام، مهستی و دیگران آمده، قطعاً سروده خود آن‌هاست. بلکه از حیث منبع‌شناسی حایز اهمیت است. ما در یادداشت‌های ذیل هر رباعی، به مبحث رباعیات سرگردان و گویندگان مشترک برخی رباعیات، اشارات اجمالی داشته‌ایم. در مورد رباعیات فاقد نام گوینده نیز تا آنجا که مقدور بوده است، منابعی برای شناسایی گویندگان احتمالی عرضه کرده‌ایم.

دو رباعی از ۵۷ رباعی این منابع، ترجمه اشعار عربی و یا بالعکس است و از منظر ادبیات تطبیقی حایز اهمیت و استناد است. یکی از این رباعیات با شعر عربی که آن‌هم در قالب رباعی است، انطباق کامل دارد و رباعی دیگر، فقط شباهت کلی دارد

آگاهی از وجود اشعار موجود در این پنج دستنویس، مرهون دقت نظر و جست‌وجوی دوست فاضلم احسان آسایش است که در دوسه سال اخیر بی‌مزد و منت، یافته‌های ارزشمند خود را که حاصل صرف وقت و تیزبینی بسیار است، در اختیار من گذاشته است. از این جوینده خستگی‌ناپذیر، بی‌نهایت ممنونم.

۱) دستنویس شماره ۳۵۸۷ کتابخانه ایاصوفیا (سده هشتم ق)

این نسخه از محمد که برای سلطان محمد فاتح (۸۵۵-۸۸۶ ق) ساخته شده، به تقویم الابدان ابن جزله بغدادی (د. ۴۹۳ ق) و ترجمه فارسی آن به قلم معین بن محمود متطبب کرمانی اختصاص دارد. دو بخش نسخه، دو پاره جدا مربوط به دو زمان متفاوت است که بعداً به هم الحاق شده‌اند. بخش نخست (برگ ۵۶ پ) ترجمه تقویم الابدان است. معین متطبب کرمانی ترجمه و کتابت رساله را در صفر سال ۸۶۳ در شهر ادرنه به پایان برده است. بخش دوم (برگ ۵۷ ر-۵۷ ی)، اصل عربی کتاب است که منصور بن یوسف متطبب در ماه صفر سال ۶۶۰ ق در شهر کوفه کتابت کرده است. در ظاهر نسخه قدیم که اکنون برگ ۵۷ ر دستنویس فعلی است، در سده هشتم هجری، یادداشت‌ها و شعرهایی به زبان فارسی قلمی شده است. رقم صدگان تاریخ این یادداشت‌ها (سبعمائه) قابل تشخیص است، ولی به دلیل فرسودگی نسخه، رقم دهگان و یکان آن قابل خواندن نیست.

در یادداشت پایین صفحه از «واصل کامل امام الزمان کمال الدین عبدالرزاق نورالله ضریحه» سخن گفته شده که به احتمال زیاد منظور نویسنده یادداشت، کمال الدین عبدالرزاق کاشانی (د. ۷۳۶) عارف سرشناس قرن هشتم است. این یادداشت حاوی شعری است که کاشانی در ستایش امام حافظ مقری مجدالدین اسماعیل سروده و راوی آن، جلال الدین عبدالجلیل فرزند این مجدالدین اسماعیل بوده است. به نظر می‌رسد همه یادداشت‌ها را یک نفر، در ماه شوال و رمضان

۱) رک. فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه ایاصوفیا، ۴۰۷. فهرست نویسی، متذکر رقم کتابت بخش کهن نسخه نشده است.

کتابت کرده است. پایین رباعی سوم اوحد کرمانی، نام فردی به اسم یحیی دیده می‌شود: «کتبه العبد یحیی». ممکن است او کاتب سایر اشعار هم باشد. همه شعرها جزیک قطعه، در قالب رباعی است. ثبت رباعیاتی از مهستی دبیره و اوحد کرمانی در این نسخه در خور اهمیت است.^۲

فی عشرين شوال سنه ... سبعمائه بمحروسة دال... یوه؟ بمقام المولى الامام سراج الملة و الدين دام فضله و برکته

بر آب دو دیده و نمم رحمت کن	بر جان پُر آتَشش و غمم رحمت کن
ای رحمت تو بیشتر از هر بیشی	بر من که زه — ر کمی کمم، رحمت کن ^۳
ای در دو نفس صدد گنه از من دیده	وز فضل و کرم پ — رده من ندیده
ای من بتر از هر چه به عالم بتری است	وی تو بسی از من بتر آمرزیده ^۴

انشدنی المخدوم المطلق والمحبوب المحقق صاحب الروحاني ضياء الملة و الحق و الدين... تاج الدين الديلم طول الله عمره و زاد لطفه

روی تو به مشک ماند و زلف به خون	می گویم و می آیم ازین عهده برون
رویت مشکى به نافه در ناشده خشک	زلفت خونی که آید از نافه کنون ^۵

فی المراثية صاحب شمس الدين صاحب ديوان

در کشتن شمس از شفق خون بچکید	مه رخ بخلید و زهره گیسو و ببرید
شب جامه سپاه کرد در ماتم و صبح	بر زد نفس سرد و گریبان بدرید ^۶

لمهستی دبیره

آزراکی که به رزم و بسوزم تند آمد و رام	با دشمن و با دوست کشد خنجر و جام
آورد پدید صبح و شام از رخ و زلف	کرد از زر پخته حلقه در نقره خام

ولها فی پسر القصاب

هر کارد که از کشته خود برگیرد	و اندر لب و دندان چو شگر گیرد
گر بگردگر، برگلوی کشته نهد	از ذوق لبش زندگی از سر گیرد ^۷

(۲) از دوست فاضلم جناب عماد الدین شیخ الحکامی که در قرائت دو کلمه ناخوانای متن مدد رسان بنده بوده‌اند، سپاسگزاری می‌کنم. متأسفانه قرائت برخی عبارات به دلیل عدم کیفیت تصویر نسخه، فرسودگی مرکب و کاغذ و ناتوانی بنده، میسر نیامد.

(۳) افلاکی رباعی را از زبان سلطان عزالدین کیکاوس آورده است (مناقب العارفين، ۲۷۹).

(۴) به احتمال بسیار، سروده اوحد کرمانی است (دیوان رباعیات، ۱۰۶).

(۵) به نظامی گنجوی (دیوان قصاید و غزلیات، ۳۵۶)، مهستی (مهستی گنجه‌ای، ۱۲۱) و سیف اسفرنگ (دیوان، ۷۵۸) منسوب است.

(۶) رباعی سروده مجد همگر (د. ۶۸۶ ق) شاعر عهد ایلخانی است (دیوان، ۷۳۵).

(۷) رباعی نخست مهستی در منبع دیگری رؤیت نشد. رباعی دوم در دو منبع کهن دیگر نیز به نام مهستی

للسیخ العالم الربانی اوحد الملة و الحق و الدین قدس اللہ روحه

یارب کرم تویی نیازاست آخر بر خلق در رحمت باز است آخر
گیرم که من از چاره‌گری محرومم لطف تو نه بی‌چاره‌نواز است آخر؟

وله قدس اللہ سره العزیز

یارب! ز تو آسایش جان می‌طلبم وز نفس بداندیشش امان می‌طلبم
مقصود من آن است که تو راضی باشی چیزی که رضای توست آن می‌طلبم

للسیخ قدس اللہ سره العزیز

یارب! رخ ایمان مرا چون مه کن قولم همه لا اله الا الله کن
گوینده لا اله الا الله را در کار محمد رسول الله کن^۸

۲) دستنویس شماره ۵۱۴۲ کتابخانه فاتح (۷۱۵ ق)

این دستنویس، سه بخش دارد: نخست، المفصل فی صنعتة الإعراب جارالله زمخشری (د. ۵۳۸ ق) است که از کتب مشهور آموزش قواعد زبان عربی است (برگ اپ-۱۰۳ پ). کتابت این بخش را محمد بن علی بن محمد حسینی جوری از ربع فریومد خراسان در نهم ذی القعدة ۷۱۵ ق به پایان رسانیده است. دوم، الايضاح فی شرح المفصل اثر ابن حاجب (د. ۶۴۶ ق) در تشریح و توضیح کتاب زمخشری است (برگ ۱۰۴ ر-۲۴۹ ر). این بخش را نیز همان کاتب در سلخ جمادی الاول سال ۷۱۵ ق در مدرسه منسوب به نجم‌الدین اتابک انجام داده است. در انتهای دستنویس (برگ ۲۴۹ ر-۲۶۱ ر) شرح مختصر جمال‌الدین زنجانی بر رساله تصریف عزالدین عبدالوهاب خزرجی زنجانی (د. ۶۵۵ ق) به خط همان کاتب به قلم آمده، ولی فاقد رقم است.

در انتهای رساله دوم، ذیل رقم کاتب (برگ ۲۴۹ ر)، چند بیت شعر فارسی و عربی به خطی کهن (متعلق به همان دوره) دیده می‌شود که دو فقره آن، این دو رباعی است:

زلف بت من هزار و سیصد شکن است در هر شکنی هزار و سیصد چمن است
در هر چمنی هزار و سیصد وطن است در هر وطنی هزار و سیصد چو من است

للساحب شمس‌الدین اصفهانی

ز آن نرگس پُر خمار چشم مستت صد عاشق مستمند مسکین هستت
جز زهره کره زهره که بوسد پایت؟ جز یاره^۹ کرا یاره که گیرد دستت؟

است (مونس الاحرار، ۲: ۱۱۵۲؛ جُنگ اسکندر میرزا، ۲۸۳ پ).

۸) هیچ کدام از این سه رباعی، در مجموعه رباعیات اوحد کرمانی نقل نشده است. رباعی نخست به نجم‌الدین کبری منسوب است (عرفات العاشقین، ۶: ۳۷۹۴).

۹) در اصل: یار.

رباعی لطیف اول، فاقد نام گوینده است و منبع دیگری برای آن یافت نشد. صاحب شمس الدین اصفهانی از رجال نیمه اول قرن هفتم هجری است که در دستگاه اداری سلاجقه روم پله های ترقی را پیمود. نخست منشی سلطان عزالدین کیکاوس اول بود و این مقام را در زمان سلطان علاءالدین کیقباد نیز به مدت ده سال برعهده داشت. شمس الدین اصفهانی در دوره سلطنت غیاث الدین کیخسرو به مقام وزارت رسید و در این مقام بود تا در سال ۶۴۶ ق به فرمان رکن الدین قلچ ارسلان به قتل رسید. ابن بی بی مورخ نامدار آن عهد، اشعاری از شمس الدین اصفهانی از جمله یک رباعی او را آورده است.^{۱۰} به دلیل همنامی صاحب شمس الدین با شمس الدین صاحب دیوان (وزیر معروف ایلخانان)، گاهی اشعار آن ها به یکدیگر آمیخته است. عوفی، رباعی منسوب به شمس الدین اصفهانی را به ضبط زیر به نام علاءالملک ضیاءالدین جامعی وزیر ضبط کرده است:

هر چند چو من هزار عاشق هستم کس را نرسد دستت به زلف شستت
جز زهره کرا زهره که بوسد پایت؟ جز یاره کرا یاره که گیرد دستت؟^{۱۱}

۳) دستنویس شماره ۲۲۸۲ کتابخانه شهید علی پاشا (سده هشتم ق)

مفتاح العلوم سراج الدین خوارزمی مشهور به سکاکی (د. ۶۲۶ ق) از کتب مشهور در معانی و بیان و علوم قرآنی است و بر آن شروح و حواشی بسیار نوشته اند. خطیب قزوینی (د. ۷۳۹ ق) باب سوم کتاب سکاکی را خلاصه و تنظیم مجدد کرده که به تلخیص المفتاح موسوم است و این کتاب نیز شهرت بسیار دارد. شمس الدین محمد بن مظفر خلخالی (د. ۷۴۵ ق) شرحی بر کتاب خطیب قزوینی نوشته به نام مفتاح تلخیص المفتاح که نسخه ای از آن به شماره ۲۲۸۲ در کتابخانه شهید علی پاشای ترکیه نگه داری می شود. این نسخه فاقد تاریخ کتابت است، اما به نظر می رسد در نیمه دوم قرن هشتم کتابت شده باشد.^{۱۲} بعد از اتمام رساله، در دو ورق پایانی دستنویس (۱۴۵ پ- ۱۴۶ پ)، کاتبی ناشناس، مقدار زیادی شعر فارسی و عربی اغلب بی نام گوینده کتابت کرده که رباعیات آن را اینجا بازمی نویسیم.

مهستی راست

من دوشست می از خون جگر ساخته ام سزاگر ز جاجی بصرس ساخته ام
انصاف که من ترانه ترار مژده^{۱۳} از قول مخالف تو ترس ساخته ام

(۱۰) الاوامر العلائیه، ۲۰۲، ۵۷۹، ۵۸۶

(۱۱) لباب الالباب، ۱۰۱. نقل عوفی به دلیل ارتباطش با این شخص، بیشتر قابل اتکاست.

(۱۲) از مفتاح تلخیص المفتاح، دستنویس کهنی نیز در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است (مجموعه طباطبایی ۷۷۴) که در زمان حیات مؤلف در ۷۳۸ ق کتابت شده است.

(۱۳) در اصل چنین است.

ولها

من دوشست به خواب دیدم ایام وصال خواهم که به خواب خفته باشم همه سال
بنگر که چگونه باشد احوال کسی کو بنده خواب باشد از بهر خیال
هیچ کدام از دوربای بالا جای دیگری به نام مهستی گنجوی دیده نشده است. کاتب دوبار
کلمه «دوش» را به صورت «دوشت» نوشته است. وی همچنین قطعه زیر را که به اسم رودکی
سمرقندی مشهور است^{۱۴}، به نام مهستی آورده است:

لمهستی رحمها الله

من موی خویشتن نه از آن می‌کنم [سیاه] تا باز نوجوان شوم و نو کنم گناه
هر جامه‌ای به وقت مصیبت سیه کنند من موی در مصیبت پیری کنم سیاه

سلطان العارفين شيخ نجم الدين كبرى فرمايد قدس الله روحه العزيز

دنیا طلبی جهان به کامت بادا جیفه‌وش مردار به دامت بادا
گویی که به مذهبم حرام است سماع بر تو که حرام است، حرامت بادا

لشيخ اوحد الدين رحمه الله

از کبرمدار هیچ درس رهوسمی کز کبر به جایی نرسیده است کسی
چون زلف بتان شکستگی^{۱۵} عادت کن تا صید کنی هزار دل در نفسمی

وله

مردم ز فروتنی گزین می‌گردد در خاتم انبیا نگیمن می‌گردد
گر آدمی، کبر ز سر بیرون کن کز کبر، فرششته‌ای، لعین می‌گردد^{۱۶}
رباعیات زیر در این نسخه بی نام گوینده ثبت شده است:

امروز ز روی عقل انسانی خویش دیدم سر دفتر پریشانی خویش
چون چشم دلم بر خط انصاف افتاد شرم آمدم از روی مسلمانی خویش
در دیده به جای خواب، آب است مرا زیرا که به دیدنت شتاب است مرا
گویند بخسب تا به خوابش بینی ای بی‌خردان چه جای خواب است مرا^{۱۷}

(۱۴) رک. سروده‌های رودکی، ۳۳. کاتب کلمه «سیاه» را از قلم انداخته است و ما آن را از روی منبع مذکور افزودیم.

(۱۵) در اصل: شکستی. از دیوان رباعیات شیخ اصلاح شد.

(۱۶) هر دوربای در مجموعه رباعیات اوحد کرمانی وجود دارد (دیوان رباعیات، ۲۵۵، ۲۴۷).

(۱۷) منسوب ربه ابوسعید ابوالخیر است (سخنان منظوم، ۳). رباعی در مقامات ابوسعید آمده و از اشعاری است که شیخ در نوجوانی شنیده بوده است (اسرار التوحید، ۱: ۵۹).

دشمن که فتاده است به وصلت هوسش
 نی نی نکنم دعاء بد زین سپسش
 ای روی تو از لطافت آینه روح
 در دیده کشم، ولیک تیغ مژهام
 جاناللب زیرین تو بیه یازبرین
 فرقی نتوان کرد که آن به یا این
 شاهی که به زیر چرخ اعلاست تویی
 در هر دریا هزار در بیش بود
 ای آمده و جوسسته^{۲۱} رضای بنده
 من عذر قدمهای تو کی خواهم خواست
 گفتم نخورم، چرا خورم چندین غم
 بر بنده همان کند که رانده است قلم
 یک لحظه مبدا به طرب دسترسش
 گر دشمن از آهن است عشق تو بسش^{۱۸}
 خواهم که قدمهای خیالت به صبوح
 ترسم که کند پای خیالت مجروح^{۱۹}
 گفتا که یکی نبات و دیگر شکرین
 صد رحمت ایزدی بر آن باد و برین^{۲۰}
 ماهی که به زیر ابر پیداست تویی
 دژی که در او هزار دریاست تویی
 ای کرده قدم رنجه برای بنده
 ای هر قدم تو و خون بهای بنده
 هرگز نکند خدای بر بنده ستم
 بر رانده قلم، چرا خورم چندین غم^{۲۲}

۴) دستنویس شماره ۲۷۴۲ کتابخانه ایاصوفیا (۷۲۴-۷۲۵ ق)

منبع چهارم ما، بیاضی است متعلق به کتابخانه ایاصوفیای ترکیه، مشتمل بر سه رساله ریاضی که طی سالهای ۷۲۴ و ۷۲۵ ق در شهر تبریز کتابت شده است. در اوراق اول و آخر نسخه و فواصل رساله‌ها اشعاری دیده می‌شود که کتابت آن‌ها در همان حوالی کتابت اصل دستنویس بوده است. رساله نخست مجموعه، تحریر اصول اقلیدس اثر خواجه نصیرالدین طوسی (د. ۶۷۲ ق) است. در ظهر دستنویس (برگ ۱)، یادداشت تملکی به قلم عبدالعزیز بن علی بن محمد المنجم به تاریخ ۲۳ ربیع الاول سال ۷۴۵ ق دیده می‌شود. در همین برگ، فردی به نام علی بن عبدالجبار المرداس البیهقی^{۲۳} سه رباعی زیر را به یادگار نوشته است:

- ۱۸) رباعی، هم به حسن غزنوی منسوب است (دیوان، ۳۵۷) و هم به رضی نیشابوری (دیوان، ۱۷۷). در هر دو منبع در مصراع دوم «مبدا» درج شده است.
- ۱۹) در نزهة المجالس (ص ۳۲۹) به نام شرف بیلقانی درج شده و شمس قیس رازی آن را به نام ظهیر فراریابی آورده است (المعجم، ۳۶۳).
- ۲۰) منسوب به شاه نعمت الله ولی است (کلیات اشعار، ۸۰)، ولی به دلیل درج در همین منبع، بعید است از او باشد.
- ۲۱) در اصل چنین است. گویا کاتب «جسته» را چنین می‌خوانده و می‌نوشته است.
- ۲۲) منسوب به افضل کاشانی است (دیوان حکیم افضل الدین کاشانی، ۱۴۸).
- ۲۳) وی باید از خاندان مرداس خسروجرد (بیهقی) باشد که ابن فندق یکی از مشاهیر آن‌ها را در تاریخ خود معرفی کرده است (رک. تاریخ بیهقی، ۳۳).

لسراج‌الدین القمری

من می خورم و هر که چو من اهل بود / می خوردنم ایزد به ازل می دانست
می خوردن من، به نزد او سـهل بود / گر می نخورم، علم خـدا جهل بود

فاجابه سلطان الحکماء نصیرالدین الطوسی رحمه الله

گفتی که گنه به نزد من سـهل بود / این کی گوید کسـی که او اهل بود
علم ازلی، علّت عصیان کردن / پیـشش علما ز غایبـت جهل بود

فاجابه ملک السادات جلال‌الدین طوسی

رو هرزه مگو که هر کـه او اهل بود / حجّت گفتن به نـزد او جهل بود
خود می نخورد، و گـر خورد، توبه کند / چون بد داند توبه کند، سـهل بود

رباعی قمری آملی و پاسخ خواجه نصیرطوسی به آن در منابع دیگر هم نقل شده است و شاید قدیم‌ترین آن‌ها، امالی امین‌الدین تبریزی باشد.^{۲۴} آنچه تازگی دارد، پاسخی است که جلال طوسی به خواجه نصیر داده و ما آن را در منبع دیگری ندیده‌ایم.

کاتب در فاصله رساله اول و دوم (برگ ۱۱۸-پ ۱۱۹) مقدار زیادی شعر فارسی و عربی نقل کرده است. این شعرها در نیمه اول قرن هشتم هجری پیش از درگذشت رکن‌الدین ابهری (د. ۷۴۷ ق) کتابت شده است:

سراج قمری راست

جانا! بـر نور شـمع دود آوردی / یعنی خط اگرچه خـوش نبود، آوردی
گر دود دل من اسـت، دیرت بگرفت / و ر خط به خونم اسـت، زود آوردی^{۲۵}
هر چند لطیف و آبدار اسـت خـطت / وز هر بد و نیک بر کنار اسـت خـطت
آمد کـه میان ما برانگیزد گرد / تا گشـت محقق که غبار اسـت خـطت

وفیه

زنهار خطا! گرد رخ یـسار مپوی / و آزار من خـسته از این بیش مجوی
کآن چهره و حُسن اتقاقی دارند / با هم که میانشـان نمی‌گنجد موی^{۲۶}

(۲۴) سفینه تبری، ۵۲۴. ایضاً رک. دیوان سراج‌الدین قمری آملی، ۵۹۹؛ تاریخ گزیده، ۷۳۹.
(۲۵) رباعی در دیوان انوری (چاپ مدرس رضوی، ۱۰۳۱: ۲) و دیوان ازرقی (چاپ نفیسی، ۱۰۵) آمده و شروانی آن را به نام نجیب گنجه‌ای درج کرده است (نزهة المجالس، ۳۱۱). به ابوسعید ابوالخیر (سخنان منظوم، ۹۲) و افضل کاشانی (دیوان حکیم افضل‌الدین کاشانی، ۲۰۳) نیز منسوب است. آن را در دیوان قمری آملی نیافتیم و به احتمال زیاد از سروده‌های انوری است نه او. هیچ یک از سه رباعی بعدی نیز از سراج‌الدین قمری نیست و فقط با رباعی منسوب به او اشتراک موضوع دارند.
(۲۶) عزیزکاشانی رباعی را بی نام گوینده نقل کرده است (روضه‌الناظر، ۲۷۰ر).

ایضاً فیہ

مشکی که ز کافورتی و برمی آید ابری است که در گرد قمر می آید
پروانه عارض چو شمع تو منم خط تو به فرمان کوه در می آید؟

مهستی راست

خطی که ز روی یار برخاسته شد تا ظن نبری که حُسن او کاسته شد
در باغ رخس که تازه بادادادیم گل بود به سبزه نیز آراسته شد^{۲۷}

در برگ ۱۱۹ ردو قطعه شعر عربی با ترجمه منظوم آن‌ها آمده که یکی از آن‌ها در قالب رباعی است:

أَمِنْ قُبَلَةٍ خَالَسْتُهَا مِنگ بَعْتَهُ تُعَاتِبُنِي سِرًّا وَتَهْجُرُنِي جَهْرًا
فَدَعَنِي أَرْدُهَا كَمَا قَدِ أَحْذُنُهَا وَإِلَّا فَكُنْذِمْتِي بِوَاحِدَةٍ عَشْرًا

ترجمته

لعلت که لقب شگر گویا نهمش در بخشش جان به زمسیحا نهمش
یک بوسه از او گریستم، طیره مشو گر فرمایی، به دیده با جا نهمش^{۲۸}

در برگ ۱۱۹ پ رباعیات زیر درج شده است:

مولانا عزالدین کاشی

صدق است که بنیاد عمل محکم از اوست دل را مدد نور خدا هر دم از اوست
چون از سر صدق می زند صبح نفس بنگر که همه روشنی عالم از اوست^{۲۹}
شطنج بتا با رخ زیبات خوش است رخ بر رخ تو نهاده شهمات خوش است
داری دل مرا مدام در خانه مات ای جان جهان مگر که بامات خوش است^{۳۰}
بای نواز غم که سن باید گفت لابد به زبان او سخن باید گفت
لاتفعل و افعل نکند چندین سوسود چون باجمی، کمن و مکن باید گفت^{۳۱}

(۲۷) مهستی گنجه‌ای، ۸۸. با تغییراتی به عمیق بخارایی نیز منسوب است (دیوان اشعار، ۳۱۱).
(۲۸) سراینده قطعه عربی را نمی‌شناسم. ابوالمجد تبریزی گوینده رباعی فارسی را فخرعلی کی ششتی معرفی کرده است (خلاصه‌الاشعار فی الرباعیات، ۷۵). رباعی مورد اشاره در نزهة المجالس (ص ۳۵۵) به نام جمال شروانی است و ترجمه قطعه عربی محسوب نمی‌شود و فقط اشتراک مضمون دارد. از یاری فاضل دانشمند جناب جویا جهانبخش بابت قرائت قطعه عربی و اعراب‌گذاری آن سپاسگزارم.

(۲۹) جُنگ اسکندر میرزا، ۲۸۱ (عزالدین محمود کاشی)

(۳۰) مهستی گنجه‌ای، ۱۷۰-۱۷۱. مصراع سوم در متن ما وزن بسامانی ندارد. در رباعیات مهستی چنین است: دایم داری مرا تو در خانه مات. شاید: داری دل ما.

(۳۱) گوینده این رباعی مشخص نیست. نجم رازی رباعی را بی نام گوینده آورده است (مرصاد العباد، ۱۵). گردآوردندگان اشعار نجم رازی رباعی را به نام خود آورده‌اند (اشعار شیخ نجم الدین رازی، ۱۴)؛ در حالی که

اشکی که ز چشم من فرو باریدست در گوش کشیده‌ای که مرواریدست
از گوش برون کنش که رسوا گردی چون بر رخ من خلق جهانی دیدست^{۳۲}

رباعی آخر، شبیه رباعی منسوب به انوری است:

در گوش تو هرچه زَر و مرواریدست آن از رخ و از دیده من دزدیدست
زلفین تو زان سبایه بر او پوشیدست کآن بر رخ و چشم من همه کس دیدست^{۳۳}

کمال الدین اسمعیل

بیادام چو از آن عزم سرفرمی آید بر من همه خرمی به سرفرمی آید
گلگون سرشکم که چو آب است روان از گرم روی بسره روی درمی آید^{۳۴}

لمولانا رکن الدین الابهری ادام الله فضایله

تا چند ز رخ ز فضل و فرهنگ زنیم برخیز که در زلف طرب چنگ زنیم
هنگام گل است، بی طرب خوش نبود چون باده به دست نیست، بر بنگ زنیم^{۳۵}

از آنجاکه رکن الدین محمود بکرانی ابهری در ۷۴۷ یا ۷۵۰ ق درگذشته، این یادداشت و کل شعرهای نقل شده، پیش از این تاریخ و در زمان حیات ابهری قلمی شده است. آخرین بخش شعرها، بعد از رساله سوم (برگ ۱۴۳-۱۴۴ پ) کتابت شده و رباعیات زیر نیز در میان آن‌ها دیده می‌شود:

ألقى مُتساکراً فـؤادی^{۳۶} تَمَّه کی أنظر رهل أهـل و دادی تَمَّه
إفـا قدمی تُنیلنـی مقصودی أم اترک رأسـی کفـؤادی تَمَّه

ترجمه

خود را به حیل در افکنم مسست آنجا تا بنگرم آن روان ...^{۳۷} هسست آنجا
یا پای رساندم به مقصود و مراد یا سبر بنهم همچو دل از دست آنجا^{۳۸}

در متن مرصاد العباد چنین انتسابی نیست.

(۳۲) جُنگ رباعی، ۱۶۱ (عایشه مقربیه)

(۳۳) نزهة المجالس، ۴۵۳. در دیوان انوری (چاپ مرحوم مدرس) این رباعی نیست.

(۳۴) در دیوان کمال چنین رباعی نیست. عزیز کاشانی نیز آن را به نام کمال آورده است (روضه الناظر، ۲۳۱ ر).
به شرف شفروه (لباب الالباب، ۲۲۵)، سید حسن غزنوی (دیوان، ۳۴۹؛ نزهة المجالس، ۴۷۵) و شمس
طبری (دیوان، ۱۳۰) نیز منسوب است.

(۳۵) دیوان محمود بکرانی و دیوان رکن بکرانی، ۲۵۴

(۳۶) رساله پیروزی: متناکراً سوادى؛ یتیمه الدرر: متساکراً سوادى. قافیه رباعی قطعاً «سوادى» درست است
نه «فؤادى» که عیب تکرار قافیه دارد.

(۳۷) یک کلمه خوانده نمی‌شود. سایر منابع: جان و جهان.

(۳۸) نجاتی نیشابوری رباعی فارسی و عربی را آورده و شعر عربی را ترجمه شعر فارسی دانسته است (رک).
رساله پیروزی و مقاله نوروزی، ۱۷۲-۱۷۳؛ ایضاً رک. یتیمه الدرر، ۴۰ ر). ابوالمجد تبریزی رباعی فارسی را به

زیراین دورباعی، یک فهلوی نیز در همین معنی درج شده که تصویر آن را ضمیمهٔ این گفتار خواهم کرد. در پشت این برگ (۱۴۳پ)، حکایتی در مورد عین القضاة همدانی نقل شده که تا کنون جایی نخوانده بودم:

«سبب کشتن عین القضاة همدانی آن بود که او باری تعالی [را] به نام‌هایی که مصطلح فلاسفه است چون واجب‌الوجود و غیره می‌خواند. بدیع همدانی متکلم بود، انکار کرد که اسامی باری، توقیفی^{۳۹} باشد. او رساله‌ای ساخت و در آنجا ذکر کرد که او معشوق من است، به هر نام که خواهم او را خوانم:

گه سرو بلند باده‌نوشت خوانم گه ماه تمام صدره پوششت خوانم
ارزان بخوری و رایگان بفروشی ارزان خیر رایگان فروشت خوانم

ایضاً

سرو سبزی و ماه تمامت خوانم یا آهوی افتاده بسه دامت خوانم
زین هرسه بگوی تا کدامت خوانم کز رشک نخواهم که به نامت خوانم

بعد از آن، آن رساله به بدیع رسید. عوام راحت کرد که بردارش کردند».

در صحت و سقم این ادعا سخنی نمی‌توانم گفت. اما دورباعی متن بالا که هر دو از سروده‌های معزی نیشابوری است، در نامه‌های عین القضاة درج شده است.^{۴۰}

در پایین عبارت بالا، دورباعی زیر به خطی متفاوت به چشم می‌خورد:

از دلبر خود چو دور ماندم به بهار عیشم به چه درخورست، شادی به چه کار
در باغ به جای جای سبزه گو خار برو از ابر به جای قطره گو سبزه ببار^{۴۱}
از دفتر عشق برگرفتم فالی ناگاه ز سوز سینه، صاحب‌حالی
می‌گفت: خوشا کسسی که در خانه او یاری است چو ماهی و شبی چون سالی^{۴۲}

نام کمال اسماعیل اصفهانی نوشته (خلاصة الاشعار فی الرباعیات، ۳۶)، ولی در نزهة المجالس (ص ۵۶۱) که یکی از منابع اصلی او بوده، نام گوینده ذکر نشده است. در جنگ اسکندر میرزا (برگ ۲۸۶پ) به اسم صدرالدین خجندی دیده می‌شود. عبدالقادر مراغی رباعی عربی را به شیخ جنید منسوب داشته و غیر از رباعی فارسی، دو شعر ترکی و مغولی نیز در همان معنی نقل کرده است (جامع اللان، خاتمه، ۱۴۳).

(۳۹) در مورد توقیفی بودن اسما الهی رک. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۶: ۳۸۲-۳۸۴.

(۴۰) رک. جنگ رباعی، ۱۱۳، ۱۲۶ (رباعیات معزی)؛ نامه‌های عین القضاة همدانی، ۲: ۶۰.

(۴۱) رباعی از سروده‌های اثیرا خسیکتی است (جنگ رباعی، ۲۹۳). در دیوان او، مصراع اول چنین است: «چون بی رخ دلبر است ایام بهار». در مقالات شمس (ص ۷۵۷، ۷۶۸) و روضة الناظر (برگ ۸۶پ، ۱۴۱) با تغییر بعضی کلمات بدون نام شاعر نقل شده است.

(۴۲) در منابع متأخره ختیم منسوب است (طربخانه، ۹۵).

۵) دستنویس شماره ۳۴۲۱ کتابخانه فاتح (۷۸۶ ق)

دستنویس حاضر (کتابخانه فاتح، شماره ۳۴۲۱)، نسخه‌ای از کشف حقایق زیج ایلخانی است و شرحی است که نظام اعرج نیشابوری بر زیج خواجه نصیرطوسی نوشته است.^{۴۳} این نسخه را حسن بن مرتضی بن حسن حسینی سمنانی به سال ۷۸۶ ق از روی دستنویس مؤلف در شهر سلطانیه کتابت کرده است.^{۴۴} کاتب که دارنده نسخه نیز بوده، در اوراق اولیه کتاب (اپ-۳ر)، اشعار زیادی ثبت کرده است که رباعیات آن را اینجا نقل می‌کنیم. در پشت برگ اول، این دو رباعی به چشم می‌خورد:

للشیخ الکبیر اوحـد الکرمانی قدس سره

صوفی نشود به خرقة و پشمینه
نه نیــــز بود به صحبــــت دیرینه
صوفی باید که ســــینه صافی دارد
انصاف بده صوفــــی و در دل کینه؟

وله

صوفی ز کجا و ســــر و گردن ز کجا
صوفی ز کجا و غصــــه خوردن ز کجا
کس نیــــست که گوش‌های من برمالد
تا من ز کجا و خانه کــــردن ز کجا^{۴۵}

بیشترین شعرها را کاتب در روی ورق دوم نوشته است؛ از جمله قطعاتی از اثیرالدین اومانی و سعدی. این دستنویس را باید به عنوان منبع نویافته‌ای از رباعیات منسوب به ختام محسوب داشت. در ورق ۲، رباعیات زیر دارای نام گوینده هستند:

ملک شمس‌الدین کرت راست

ای دل! طمع از همت عالی مگســــل
بر بُختی بخت گام زن نه محمل
زیرا که دو چیز اســــت پسندیده دل
یا گشــــته بنام یا آرزوها حاصل^{۴۶}

۴۳) در مورد زیج ایلخانی و شروح آن، رک. احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، ۴۰۹-۴۱۳. از شرح نظام اعرج دستنویسی به شماره ۳۵۷۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است که در ۷۸۵ ق کتابت شده است.

۴۴) مرحوم مدرس رضوی از شرحی یاد کرده که حسن بن حسین بن حسن شاهنشاه سمنانی منجم در ۷۹۵ یا ۷۹۶ ق بر زیج ایلخانی نوشته است (رک. احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، ۴۱۱). نام این شخص یادآور نام کاتب و مالک دستنویس فاتح است و ممکن است هر دو نفر یکی باشند، خاصه آنکه تاریخ کتابت نسخه با تاریخ تألیف شرح سمنانی منجم نزدیک به هم است.

۴۵) رباعی اول در منابع به نام اوحده کرمانی دیده می‌شود (رک. دیوان رباعیات اوحده کرمانی، ۱۴۸)، اما رباعی دوم نویافته به شمار می‌آید.

۴۶) امین احمد رازی نیز رباعی را به اسم شمس‌الدین کرت آورده است (رک. تذکره هفت اقلیم، ۲: ۶۳۷). مصرع چهارم در منبع مذکور چنین است: یا مُرده بنام یا غرض‌ها حاصل.

شرف‌الدین شفروه

دوش از هوس رخت به میخانه شدم
مى خوردم و ششیرگیر و مردانه شدم
گفتم بزنم در تو، عقلم نگذاشت
وَه وَه که زدست عقل دیوانه شدم^{۴۷}

قاضی نظام‌الدین

فی الخلوۃ روح قلبی المششـتاق
ما مُزدم القوم سـوی الاسواق
آمد شـدنِ پیاله می‌خواهم و بس
داد و سـدم نیسـت مگر با ساقی^{۴۸}

للخیام رُوح رمسه

گر من ز می غرور مسـتم، هستم
ور کافر و گبر و بت‌پرسـتم، هستم
هر سـفله به نامی دگر می‌خوانند
کمتر نیم آن چنانک هستم، هستم^{۴۹}

وله

توبه نکنم ز باده تا من هسـتم
گر خود شب قدر است در آن شب مستم
لب بر لب جام و سـینه برسینه خُم
تا روز به گردن صراحی دسـتم^{۵۰}

وله

آباد خرابات ز می خوردن ماسـت
خون دو هزار توبه در گردن ماسـت
گر من نکنم گنـاه، رحمت چه کند
رحمت همه موقوف گنه کردن ماسـت^{۵۱}

قطب‌الدین عتیقی

می بر لب نوشـین تو نوشیده شود
وز رنگ رخ تو ماه پوشـیده شود
مى نوش کن ای نگار و بردسـت مدار
کز آتش رخسار تو جوشیده شود^{۵۲}

رباعیات زیر در همین ورق (۲) بدون ذکر نام گوینده درج شده است:

(۴۷) دیوان شرف‌الدین شفروه، ۱۴۷ پ

(۴۸) دیوان المنشآت، قاضی نظام‌الدین اصفهانی، ۲۱۷ پ؛ جُنگ مهدوی، ۱۸۸ (للقاضی نظام‌الدین). قاضی نظام‌الدین از شاعر ذواللسانین قرن هفتم هجری است.

(۴۹) طربخانه (رباعیات خیام)، ۵۲. به اوحد کرمانی (جُنگ رباعی، ۴۴۰) و دیگران هم منسوب است. ضبط کلمات آغازین مصراع چهارم مورد تردید است.

(۵۰) طربخانه (رباعیات خیام)، ۵۱. رباعی از سروده‌های حکیم نزاری قهستانی است (نامه‌های منظوم و رباعیات، ۱۱۵).

(۵۱) طربخانه (رباعیات خیام)، ۷۲. در مجموعه‌های کهن به نام اوحد کرمانی دیده شده است (دیوان رباعیات اوحد‌الدین کرمانی، ۱۴۲، ۲۸۱).

(۵۲) فاضل ارجمند آقای بهروز ایمانی در مقالهٔ ممتنع «اشعار قطب‌الدین عتیقی اهری (تبریزی)» (گزارش میراث، دورهٔ دوم، سال ۴، شمارهٔ ۸۸-۸۹، پاییز-زمستان ۱۳۹۸، ۴۱-۵۷) این رباعی را نیاورده است.

بر سـالـبـه کـلی کـبـسـرات ریم
برمختلطـات و جنس و فصلت تیزم
ای رفته و با تو رفته خواب از دیده
تا باز نبینمت، نگیـرد آرام
بـرمـوجـبه جزوی صغـرات ریم
بر عکس نقیض و بـسـر قضایات ریم^{۵۳}
گـل رفته و مـی رود گلاب از دیده
خون از جگر آتـش ز دل آب از دیده^{۵۴}
گفتم که دلم دُرد غمت می نوشـد
گفتم که غذاء ماسـت عـتاب لب
گفتا که دلت به خون خود می کوشـد
گفتا مگرت هنوز خون می جوشـد^{۵۵}

در برگ ۲، این رباعی یادداشت شده است:

مجدالدین همگر

ای چرخ! ز گردش تو خرسـند نیم
گر میل تو با بی هنر و نااهل اسـت
آزادم کـن که لایق بند نیم
من نیز چنان اهـل و هنرمند نیم^{۵۶}

(۵۳) رباعی در بیاض تاج الدین احمد وزیر (چاپ عکسی، ۹۰۹) بی نام گوینده نقل شده است.

(۵۴) عوفی رباعی را به نام شرف الدین فراهی ثبت کرده است (رک. لباب الالباب، ۲۱۶).

(۵۵) جاجرمی رباعی را بی نام گوینده آورده است (مونس الاحرار، ۲: ۱۱۸۸).

(۵۶) دیوان مجد همگر، ۷۷۷. رباعی در دیوان اثیرالدین اومانی دیده شده (ص ۵۹۰) و به خیام نیز منسوب است (طربخانه، ۲۳).

فهرست منابع

- احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، محمدتقی مدرس رضوی، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ سوم: ۱۳۸۶
- اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، محمد بن منور میهنی، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات آگه، چاپ دوم: ۱۳۶۷، ج ۲
- اشعار شیخ نجم‌الدین رازی (دایه)، به کوشش و تحقیق محمود مدبری، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۶۳
- الوامر العلائیه فی الامور العلانیه، ابن بی بی، به اهتمام عدنان صادق ارزی، آنکارا، ۱۹۵۶م
- المعجم فی معاییر اشعار العجم، شمس قیس رازی، به تصحیح محمد قزوینی، با تصحیح مجدد محمد تقی مدرس رضوی، تهران، انتشارات زوار، چاپ سوم: ۱۳۶۰
- بیاض تاج‌الدین احمد وزیر، چاپ عکسی به کوشش ایرج افشار و مرتضی تیموری، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۳
- تاریخ بیهق، ابوالحسن علی بیهقی (ابن فندق)، تصحیح و تحقیق سلمان ساکت، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۴۰۰
- تاریخ گزیده. حمدالله مستوفی قزوینی، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم: ۱۳۶۲
- تذکره هفت اقلیم، امین احمد رازی، تصحیح سید محمدرضا طاهری (حسرت)، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۸، ج ۳
- تقویم الابدان، ابن جزله بغدادی، ترجمه معین بن محمود متطبب کرمانی، دستنویس شماره ۳۵۸۷ کتابخانه ایاصوفیا، کتابت در ۶۶۰ و ۸۶۳ ق، ۱۰۷ برگ
- جامع الالحن (خاتمه)، عبدالقادر غیبی مراغی، به اهتمام تقی بینش، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۶
- جنگ اسکندر میرزا، دستنویس Add.27261 کتابخانه موزه بریتانیا، کتابت محمد حلوائی و ناصر الکاتب، ۸۱۳-۸۱۴ ق، ۱۹۲ برگ
- جنگ رباعی، پژوهش و ویرایش سید علی میرافضلی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۹۴
- جنگ مهدوی (چاپ عکسی)، زیر نظر نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰
- خلاصه الاشعار فی الرباعیات، گردآورده ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی، تصحیح و تحقیق سید محمد عمادی حائری، تهران، انتشارات هرمس، ۱۴۰۱
- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، انتشارات مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد شانزدهم، ۱۳۸۷
- دیوان اثیر اومانی، تصحیح امید سروری و عباس بگ‌جانی، تهران، انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰
- دیوان ازرقی هروی، با تصحیح و مقابله و مقدمه سعید نفیسی، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۳۶
- دیوان اشعار شهاب‌الدین عمق بخارایی، مصحح علیرضا شعبانلو، تهران، انتشارات آزما، ۱۳۸۹
- دیوان المنشآت، قاضی نظام‌الدین اصفهانی، دستنویس شماره ۳۸۸۴ کتابخانه فاتح، کتابت محمد بن محمود بن عبدالمجید بن عبدالحمید بن عبدالرشید الرجای، رجب سال ۷۰۹ ق، ۲۳۴ برگ
- دیوان انوری، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم: ۱۳۷۶، ج ۲
- دیوان حکیم افضل‌الدین محمد مرقی کاشانی (بابا افضل)، بررسی و مقابله و تصحیح از: مصطفی فیضی، حسن عاطفی، عباس بهنیا، علی شریف، تهران، زوار، ۱۳۶۳
- دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی، به کوشش احمد ابومحبوب، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۶

- دیوان رضی الدین نیشابوری، تصحیح و توضیح ابوالفضل وزیر نژاد، مشهد، انتشارات محقق، ۱۳۸۲
- دیوان سراج الدین قمری آملی، به تصحیح یدالله شکر، تهران، انتشارات معین، ۱۳۶۸
- دیوان سید حسن غزنوی، تصحیح عباس بگجانی، تهران، انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷
- دیوان سیف اسفرننگ، تصحیح انتقادی فرزاد جعفری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۶
- دیوان شرف الدین شرفوه، دستنویس شماره ۳۲۰۴ کتابخانه بایگانی ملی هند، ۱۰۲۷ ق، ۲۱۵ برگ، فیلم شماره ۱۴۱۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- دیوان شمس طیبی، به اهتمام تقی بینش، مشهد، کتابفروشی زوار، ۱۳۴۳
- دیوان قصاید و غزلیات نظامی گنجوی، به کوشش سعید نفیسی، تهران، کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۹
- دیوان مجد همگر، به تصحیح و تحقیق احمد کرمی، تهران، انتشارات ما، ۱۳۷۵
- دیوان محمود بکرانی و دیوان رکن بکرانی، تصحیح و تحقیق بهروز ایمانی، امید سروری، تهران، بنیاد موقوفات افشار، ۱۴۰۱
- رساله پیروزی و مقاله نوری، محمود بن عمر نجاتی نیشابوری، تحقیق و تصحیح بهروز ایمانی، تهران، بنیاد موقوفات افشار، ۱۴۰۰
- روضه الناظر و نزهة خاطر، عبدالعزيز کاشانی، دستنویس شماره ۴۷۲.۷۶۶ کتابخانه دانشگاه استانبول، سده هشتم ق، ۳۰۴ برگ
- سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر، به اهتمام سعید نفیسی، تهران، کتابخانه سنایی، چاپ سوم: بی تا
- سروده‌های رودکی، پژوهش علی رواقی، تهران، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۹
- سفینه تبریز (چاپ عکسی)، گردآوری و کتابت ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱
- سه رساله ریاضی، دستنویس شماره ۲۷۴۲ کتابخانه ایاصوفیا، کتابت در ۷۲۴-۷۲۵ ق، ۱۴۴ برگ
- طربخانه: رباعیات خیام، یاراحمد رشیدی تبریزی، تصحیح جلال الدین همایی، تهران، نشرهما، چاپ دوم: ۱۳۶۷
- عرفات العاشقین و عرصات العارفین، تقی الدین محمد اوحدی بلبلیانی، تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۸، ج ۷
- فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه ایاصوفیا، سید محمد تقی حسینی، تهران، انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰
- کشف حقایق زیچ ایلخانی، نظام اعرج نیشابوری، دستنویس شماره ۳۴۲۱ کتابخانه فاتح، کتابت حسن بن مرتضی بن حسن حسینی سمنانی، ۷۸۶ ق، ۲۳۳ برگ
- کلیات اشعار شاه نعمت الله ولی، به سعی دکتر جواد نوربخش، تهران، انتشارات خانقاه نعمت اللهی، ۱۳۶۹
- لباب الالباب، محمد عوفی، به کوشش سعید نفیسی، تهران، کتابفروشی علمی، ۱۳۳۵
- مجموعه رسایل، دستنویس شماره ۵۱۴۲ کتابخانه فاتح، کتابت محمد بن علی بن محمد حسینی جوری، ۷۱۵ ق، ۲۶۱ برگ
- مرصاد العباد من المبدء الی المعاد، نجم الدین ابوبکر رازی، به اهتمام محمد امین ریاحی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم: ۱۳۶۶
- مفتاح تلخیص المفتاح، شمس الدین محمد بن مظفر خلخالی، دستنویس شماره ۲۲۸۲ کتابخانه شهید علی پاشا، بدون رقم، کتابت در سده هشتم ق، ۱۴۶ برگ
- مقالات شمس تبریزی، تصحیح محمد علی موحد، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹

مناقب العارفین، شمس‌الدین احمد افلاکی عارفی، تصحیح و تعلیق تحسین یازیجی، ویرایش توفیق هدسبحانی، تهران، انتشارات دوستان، ۱۳۹۶

مونس الاحرار فی دقایق الاشعار، محمد بن بدر جاجرمی، به اهتمام میرصالح طبیبی، تهران، ۱۳۳۷-۱۳۵۰، ج ۲

مهستی گنجه‌ای: بزرگ‌ترین زن شاعر رباعی سرا، پژوهش معین‌الدین محرابی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۸۲

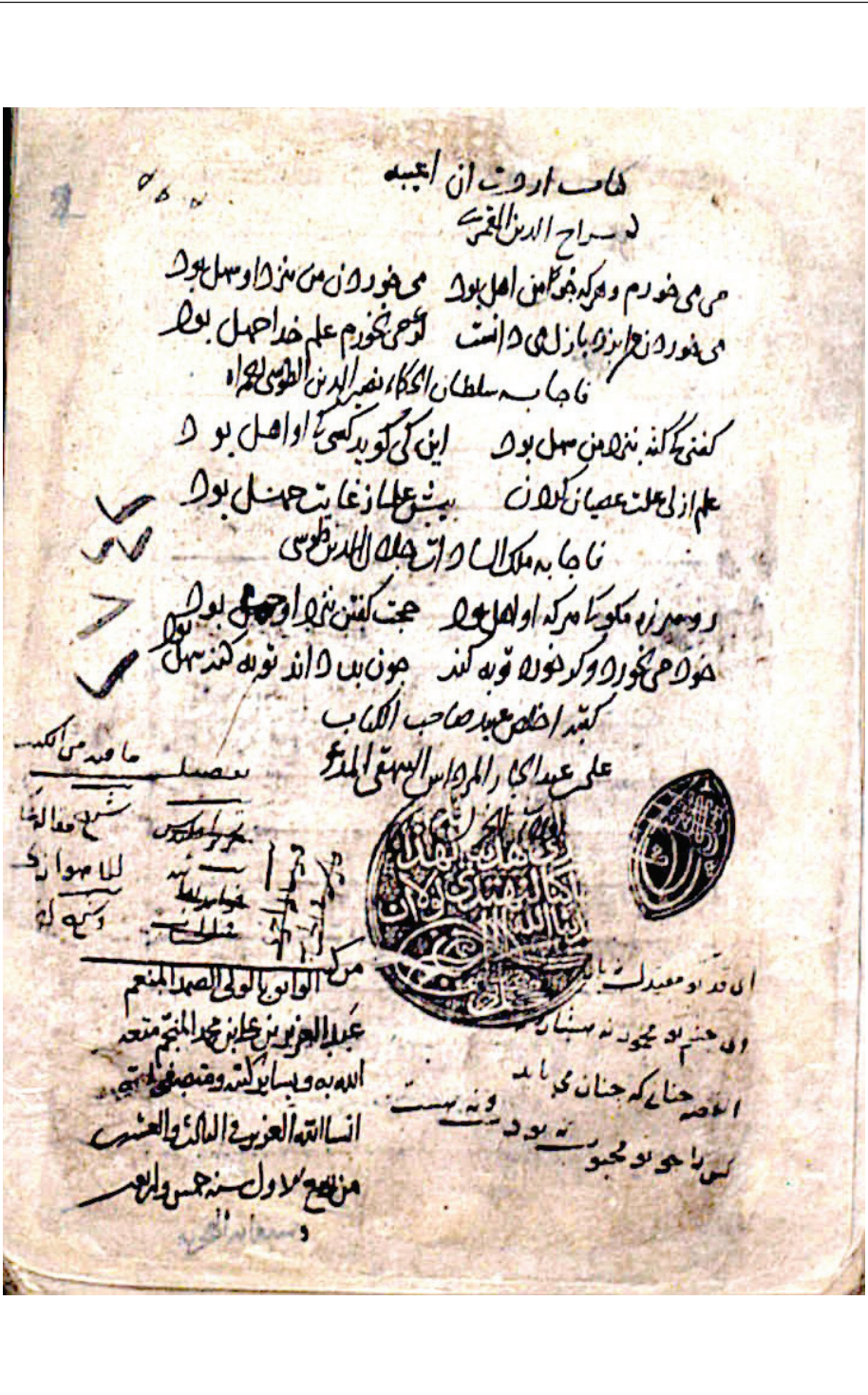
نامه‌های عین‌القضات همدانی، به اهتمام علینقی منزوی و عفیف عسیران، تهران، کتابفروشی منوچهری وزوار، چاپ دوم: ۱۳۶۲، ج ۲

نامه‌های منظوم و رباعیات حکیم نزاری قهستانی، به کوشش محمود رفیعی و محمدرضا راشد محصل، بیرجند، نشر چهاردرخت، ۱۳۹۶

نزهة المجالس، جمال خلیل شروانی، به تصحیح محمد امین ریاحی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۶

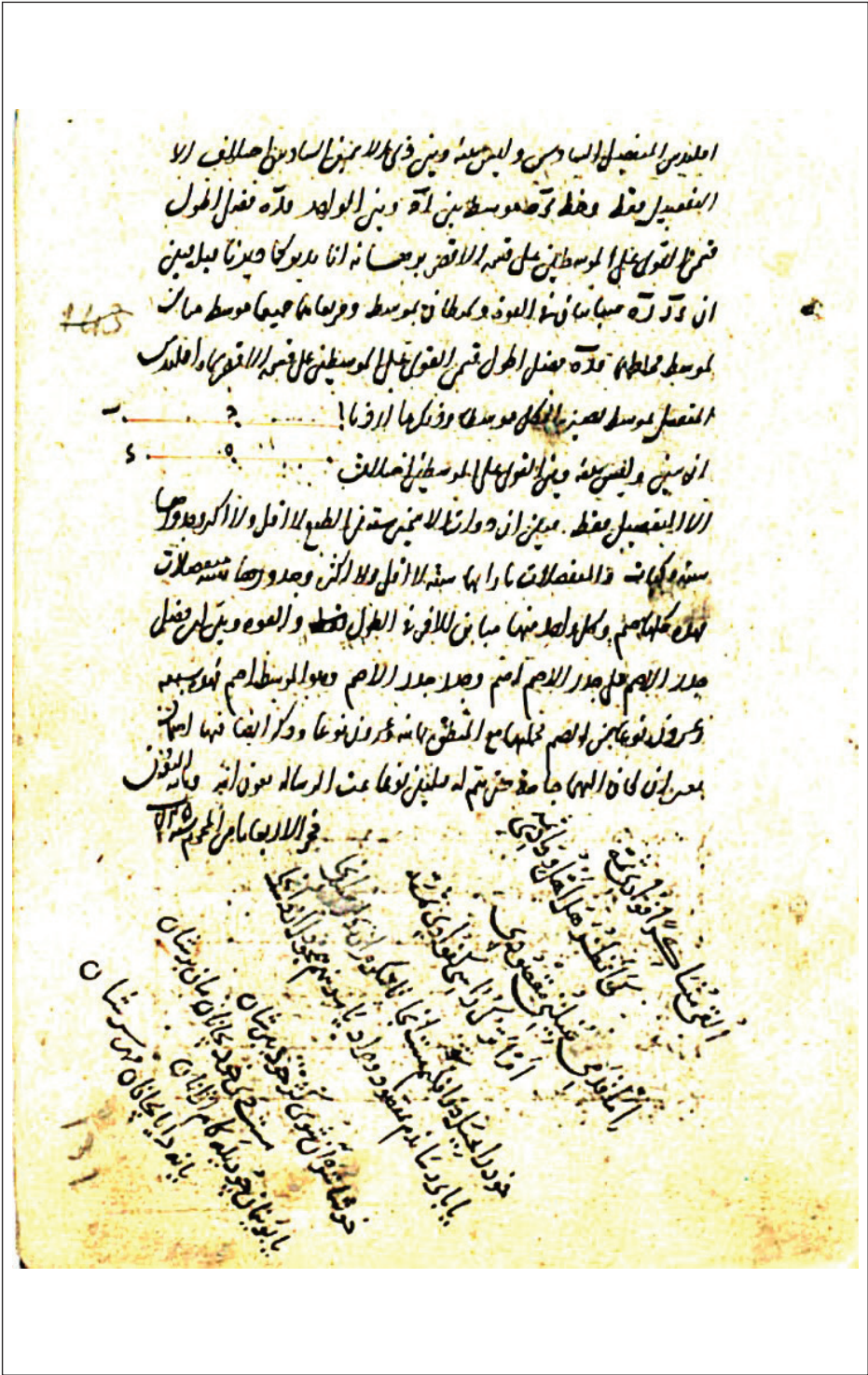
یتیمه الدرر و کریمه الفقر، جمال‌الدین محمد اصفهانی (جمال معلّم)، نسخه برگردان دستنویس شماره ۵۸۷۴ کتابخانه

ملک، با مقدمه و توضیحات بهروز ایمانی، تهران، کتابخانه مجلس و کتابخانه ملک، ۱۳۹۰



دستنویس شماره ۲۷۴۲
کتابخانه ایاصوفیا، ۷۲۴-
۷۲۵ ق، برگ ۲

آینه پژوهش ۲۰۲
سال ۳۴، شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۲



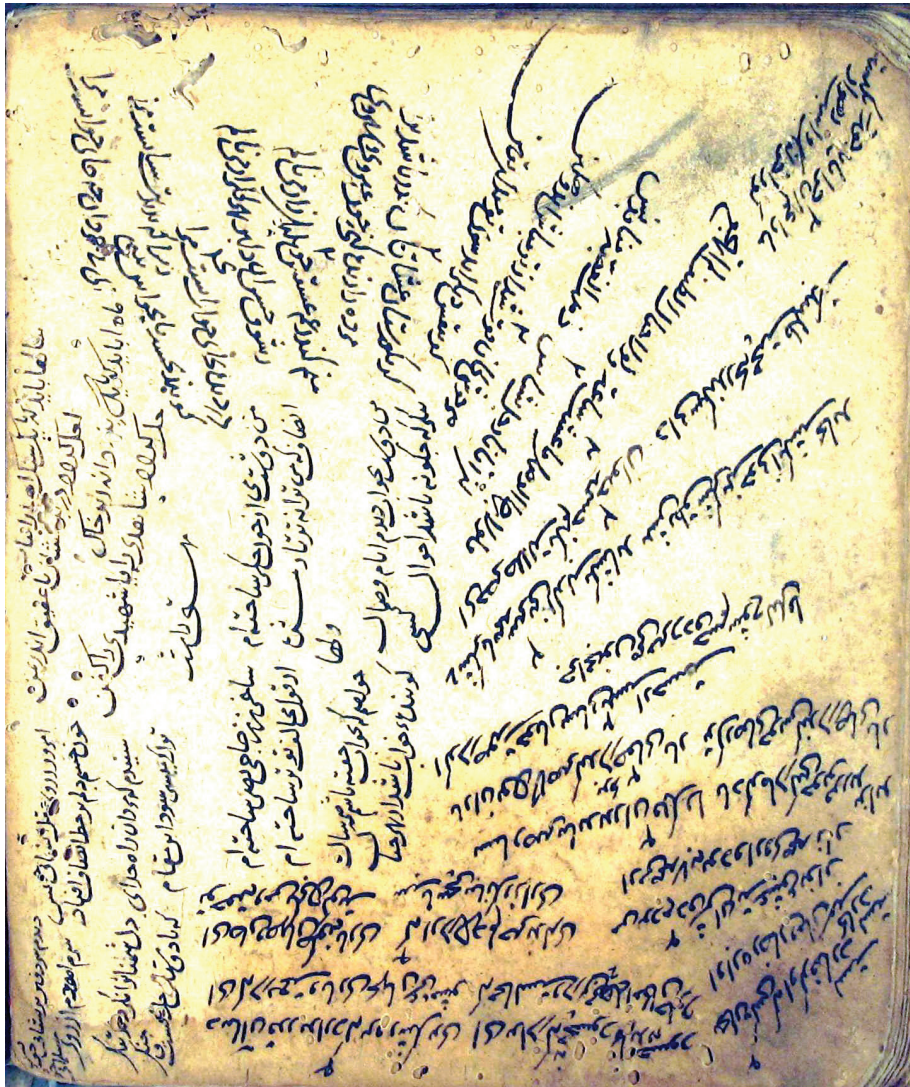
دستنویس شماره ۲۷۴۲
کتابخانه ایاصوفیا، ۷۲۴-
۷۲۵ ق، برگ ۱۴۱ (فهلوی)

۲۰۲ آینه پژوهش
سال ۳۴، شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۲



تقویم الابدان، دستنویس شماره ۳۵۸۷ کتابخانه ایاصوفیا، سده هشتم ق، ظهر نسخه

آینه پژوهش ۲۰۲۰
سال ۳۴، شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۲



مفتاح تلخیص المفتاح،
دستنویس شماره ۲۲۸۲
کتابخانه شهید علی پاشا،
سده هشتم ق، برگ
۱۴۵ پ